

# بررسی سیاست ایران ساسانی در مورد جاده ابریشم در نیمه دوم سده ۶ میلادی

علی بابایی درمنی<sup>۱</sup>

## چکیده:

یکی از جنبه‌های سیاسی تاریخ ساسانیان که از سوی برخی از مورخین نادیده گرفته شده‌است، اهمیت دیپلماسی در سیاست‌های این شاهنشاهی بوده‌است. در تاریخ این سلسله، تدبیرگران بسیاری وارد عرصه‌ی سیاست شدند که هر یک کوشش کردند تا از منافع ملی ایرانیان پاسداری کنند و به حل مشکلات سیاسی بدون استفاده از مرد جنگی و سپاه بپردازند. نیمه‌ی دوم سده‌ی ششم پیش از میلاد مسیح، نقطه‌ی اوج تقابل شاهنشاهی ساسانی با قدرت‌هایی در شرق و غرب ایران می‌باشد. در این زمان تجارت ابریشم به مهم‌ترین عامل اختلاف میان ایران از یک سو و بیزانس و امپراطوری تورکیوت‌ها از سوی دیگر بدل شده‌بود. این ۲ رقیب ایران به منظور وارد آوردن فشار بیشتر به شاهنشاهی ساسانی با یکدیگر متحد شده بودند. این اتحاد جز با ریزنی‌های گسترده‌ی دیپلمات‌های ایرانی بی اثر نشد. در این جستار کوشش می‌شود تا با بهره‌گیری از منابع بیزانسی به ویژه «مناندر پروتکتور»، زوایای تاریک یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخ ساسانی را آشکارتر کنیم.

**واژگان کلیدی:** ایران، ساسانیان، تجارت ابریشم، بیزانس، امپراطوری تورکیوت.

---

۱. دکتری تاریخ ایران باستان از دانشگاه تهران

با آغاز پادشاهی خسرو انوشیروان در سال ۵۳۱ م، این شاهنشاه کوشش می‌کرد، آسیب‌های اجتماعی ایران را که از قیام مزدکی‌ها که در زمان پادشاهی قباد ساسانی (۵۳۱-۴۸۷ م) ناشی شده بود، برطرف کند و قدرت پیشین شاهنشاهی ساسانی را بازیابد. او به ویژه می‌کوشید به مشکلات مرزی خود با همسایگانش و به خصوص امپراطوری بیزانس فائق آید، در این میان، پژوهشگران تاریخ ایران باستان عمدتاً به سه دوره جنگ‌های انوشیروان با امپراطوری بیزانس اشاره می‌کنند و از پرداختن به اهمیت دیپلماسی فعال ایران در این زمان غفلت می‌نمایند.

شاید در هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران باستان به اندازه‌ی دوره پادشاهی خسرو انوشیروان، دستگاه دیپلماسی ایران از جایگاه و اهمیتی چنین والا برخوردار نبوده‌است. بازتاب این دیپلماسی فعال در آثار مورخان بیزانسی دیده می‌شود. موضوعی که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود اهمیت بازرگانی و به ویژه تجارت ابریشم در مذاکرات سیاسی میان ایرانی‌ها و رومی‌ها و امپراطوری نوپای تورکیوت‌ها در شرق ایران می‌باشد.

اهمیت جاده ابریشم در سیاست‌های اقتصادی-سیاسی ایران در دوره اشکانی و ساسانی: جاده ابریشم که پیش از تکامل تدریجی تجارت دریایی بین کشورهای حوزه مدیترانه و اقیانوس هند شریان اصلی مبادله کالا میان شرق و غرب جهان بود، به طول تقریبی ۸۰۰۰ کیلومتر، چین را به بیزانس متصل می‌کرد، به طور کلی پیش از قدرت گرفتن اشکانیان در ایران و گزارش برخی از سفیران چینی، اطلاعات چندانی در مورد تجارت ابریشم در دست نداریم.

مهاجرت اقوام یوئه چی به سمت غرب که در پی حمله ویرانگر هون‌ها صورت گرفت، در تاریخ سیاسی ایران تاثیر گذاشت. در پی یورش یوئه چی‌ها به سکاها که در مرزهای شرقی ایران سکنی داشتند، از سال ۱۳۰ پ.م، مرزهای شرقی ایران از سوی این قوم کوچ رو مورد تهدید قرار گرفت. فرهاد دوم پادشاه اشکانی در جنگ با سکاها و جانشین او اردوان پنجم در نبرد با تیره‌ای از یوئه چی‌ها از پا درآمد، با این حال مهرداد دوم

اشکانی ملقب به مهرداد بزرگ موفق شد تا از تعرض سکاها به مرزهای شرقی ایران جلوگیری کرده و مرزهای ایران تا مرو و هرات گسترش دهد. در «تاریخ سلسله نخست هان» نکته‌ای به چشم می‌خورد که نشان از تسلط ایرانیان بر فرارودان در سال‌های پایانی سده دوم پیش از میلاد است؛ در این زمان، ۲۰ هزار سوار اشکانی به پیشواز نماینده چینی‌ها چانگ چین<sup>۱</sup> در فرارودان آمدند. این اشاره اعاده صلح در مرزهای شرقی ایران را آشکار می‌کند.

آزاد ساختن مرزهای شرقی ایران از تهاجم قبایل بیابانگرد، باعث پیشرفت و توسعه‌ی تجارت بین‌المللی در روزگار اشکانیان شد. به لطف تواریخ سلسله‌های چین باستان، ما اطلاعاتی در خصوص روابط تجاری اشکانیان با چینی‌ها در دست داریم. این منابع آشکار می‌کنند که اشکانیان با استفاده از موقعیت مساعد جغرافیایی، تجارت ابریشم را به ثروت هنگفتی دست یافتند. اشکانیان که نقاط حساس جاده ابریشم را تحت نظارت و کنترل خود داشتند، مانع از مبادله مستقیم کالا میان روم و چین می‌شدند. «تاریخ سلسله نخست هان» در این مورد چنین می‌گوید: «امپراطوری روم پیوسته آرزو داشت تا نمایندگانی به دربار چین بفرستد، اما از آنجایی که اشکانیان علاقمند به ادامه تجارت ابریشم میان با امپراطوری روم بودند، زیرکانه مانع از رابطه مستقیم تجاری آنها با چین می‌شدند.» (تشکری، ۱۳۵۶: ۱۶)

گزارش کتاب «وی لوه»<sup>۲</sup> از تواریخ سلسله ای چین نیز نشانگر انحصار تجارت ابریشم در دست اشکانیان است: «رومی‌ها همیشه علاقه داشتند تا سفرای خود را به دربار چین اعزام کنند ولی اشکانیان می‌خواستند تا موقعیت انحصاری پرمنفعت ناشی از تجارت شرق و غرب را در دست خود نگه دارند. از این رو آنها به رومی‌ها اجازه عبور از سرزمین خود را نمی‌دهند.» (تشکری، ۱۳۵۶: ۱۷) باز هم در «تاریخ سلسله نخست هان»، از سفر کن یینگ<sup>۳</sup> سفیر پن چائو<sup>۴</sup> یکی از فرماندهان عالی‌رتبه چینی به ایران سخن گفته

1. Chang Chien  
2. Wei Lueh  
3. Kan Ying  
4. Pan Chao

می‌شود که در جستجوی راهی برای سفر به روم و تجارت با آن دیار بود؛ ملاحان ایرانی داستان‌هایی برای او ساختند تا او را از سفر به روم و گشایش ارتباطات تجاری با آن دیار منصرف کنند. آنها به کن یینگ گفتند که سفر به امپراطوری روم در صورتیکه باد موافق نوزد، ۲ سال به طول می‌انجامد، پس در نتیجه مسافران دریایی باید آذوقه ۳ سال خود را تهیه کنند. و اضافه کردند که در دریا موجود مرموزی وجود دارد که تاکنون موجب مرگ صدها تن شده است و از این طریق کن یینگ را از سفر مایوس کردند تا انحصار تجارت ابریشم در دست ایران باقی بماند. (تشکری، ۱۳۵۶: ۱۷)

در دوره ساسانیان نیز این سیاست ادامه یافت و شاهان ساسانی پیوسته کوشش می‌کردند تا کنترل تجارت ابریشم از انحصار آنها خارج نشود. ساسانیان ابریشم را از بازرگانان سغدی خریداری می‌کردند و با بهای گزاف به رومی‌ها عرضه می‌کردند. باید خاطرنشان کنیم که مصرف ابریشم در داخل ایران در برابر مصرف رومی‌ها که به تجملات و لباس‌های ابریشمی علاقه بسیار زیادی داشتند، بسیار اندک بود، بدین سبب این تجارت سود بسیار زیادی را نصیب ایرانیان می‌کرد زیرا که خزانه آنها را پر از سکه‌های طلای بیزانسی و خزانه بیزانس را از خالی می‌کرد. اما با رسیدن به نیمه دوم سده ششم میلادی بر هم خوردن توازن قوا ما بین ابرقدرت‌های آن روزگار جهان باستان، از یک سو وضعیت تجارت ابریشم را میان ایران و امپراطوری‌های بیزانس و چین دگرگون کرد، و از سوی دیگر، به رایزنی‌های گسترده‌ی سیاسی میان هیات‌های سیاسی کشورهای انجامید که در تجارت ابریشم دخیل بودند. پیش از تشریح این دگرگونی، کمی از پیشینه‌ی سیاست خارجی ایران در دوران باستان سخن می‌گوییم.

گذری کوتاه بر تاریخ سیاست خارجی ایران در دوره باستان:

تاریخ دیپلماسی ایران در دوره باستان شاهد حضور سیاستمداران و تدبیرگرانی است که با خردمندی کوشش می‌کردند تا با پاسداری از منافع کشور خود، از وقوع جنگ میان ابرقدرت‌های آن روز دنیای باستان جلوگیری کرده و با قدرت دیپلماسی کار یک سپاه نیرومند را انجام دهند.

در دوران هخامنشی، تیسافرن<sup>۱</sup> در دوران پادشاهی داریوش دوم و اردشیر دوم، با خردمندی، تسلط هخامنشیان را بر آسیای کوچک تداوم بخشید. در روزگار اشکانیان اُرباز مذاکره کننده‌ی نگون بخت اشکانی که راهی مذاکره با سولا فرمانده نامدار رومی شده بود، به علت رعایت نکردن شان و جایگاه ایران در مذاکراتی که ما بین او و پادشاه کاپادوکیه و سولا رخ داد، به دستور مهرداد دوم اشکانی از نعمت زندگی محروم شد. (پلوتارک، کتاب سولا، بند ۶) اما دیپلمات دیگر اشکانیان ویسگس<sup>۲</sup> به خوبی از عهده مسئولیت خو برآمد و در پاسخ به فرمانده رومی ها کراسوس که به او گفت: «پاسخ شما را در تیسفون می‌دهم.» کف دست خود را نشان داد و گفت: «اگر در کف دست من مویی می‌بینی تیسفون را هم خواهی دید.» (پلوتارک، کتاب کراسوس، بند ۲۲)

در روزگار ساسانیان یک مقام بلند پایه ایرانی به نام سورن (۱) از سوی شاپور دوم مسئول انعقاد پیمان صلح میان ایران و روم در سال ۳۶۳ م است. اما در روزگار پادشاهی خسرو انوشیروان از حضور «زیک یزد گشنسب» به عنوان دیپلمات عالی مقام ایران در مذاکرات سیاسی با رومی‌ها اطلاع می‌یابیم که توسط مورخ رومی «مناندر پروتکتور» ستوده شده است. (Menander Protector, Book VI, section 1, 60)

سیاست خارجی ایران ساسانی در قبال ابریشم در نیمه دوم سده ششم میلادی: همانطور که اشاره کردیم در نیمه دوم سده ششم میلادی، دگرگونی‌های عمده‌ای در وضعیت جاده ابریشم به وجود آمد. خوشبختانه در این زمان شاهد گزارش دقیق این اوضاع و احوال در آثار مورخان بیزانسی هستیم که با جزئیات کامل مذاکرات سیاسی میان هیئت‌های سیاسی ایران و بیزانس و امپراطوری نوپای تورکیوت‌ها را ثبت کرده‌اند، از خلال این گزارش‌ها به محوریت تجارت ابریشم در متن این مذاکرات پی می‌بریم. مورخان بیزانسی که حوادث روزگار خسرو انوشیروان را تا پایان سده ششم میلادی برای ما به یادگار نهاده‌اند به قرار زیرند؛

پروکوپیوس، مورخ سده ۶ میلادی، منشی «بلیزاریوس» سردار بزرگ روم بود. ۲ کتاب نخست «تاریخ روم» نوشته پروکوپیوس در ارتباط با جنگ‌های میان ایران ساسانی و

روم در سده ششم میلادی است. «تاریخ حیات یوستی نیانوس» نوشته آگاتیاس (۵۸۲-۵۳۶م) ادامه تاریخ پروکوپیوس می‌باشد، و جنگ‌های ایران و روم را برای تسلط بر لازیکا از سال ۵۵۲م تا سال ۵۵۹م شرح و بسط می‌دهد. پس از آگاتیاس «مناندر پروتکتور» کار او را در ما بین سال‌های ۵۵۸م تا ۵۸۲م ادامه می‌دهد. پس از او نیز «تئوفیلاکت سیموکاتا» تاریخ روم میان سال‌های ۵۸۲م تا ۶۰۲م را به رشته‌ی تحریر درآورد. در میان این مورخان مناندر پروتکتور مورخی که در ایران چندان شناخته شده نیست، بیشترین گزارش‌ها را در مورد دگرگونی‌های عمده در وضعیت جاده ابریشم و مذاکرات گسترده‌ی سیاسی میان هیات‌های سیاسی ایران و بیزانس و امپراطوری نوپای تورکیوت‌ها ارائه می‌دهد. مناندر در مذاکرات صلح سال ۵۶۲م از یزدگشنسب ستایش کرده و او را فرد بسیار زیرک و آشنا از فن دیپلماسی معرفی می‌کند. (Menander Protector, Book VI, section 1, 60)

در جریان پیمان صلح که در ۱۳ بند به اضا می‌رسد که ۲ بند (بند ۵، ۳) از ۱۳ بند به مناسبات تجاری میان ایران و بیزانس مربوط می‌شود. در این ۲ بند اشاره شده‌است که دو شهر دارا و نصیبین تنها ایستگاه‌های مبادله کالا میان دو کشور بوده و هیچ بازرگانی بدون پرداخت «حق گمرک» اجازه ندارد تا از این ایستگاه‌ها گذشته و به سرزمین دیگر وارد شود. (Menander Protector, Book VI, section 1, 73-74) باید بدانیم که در این زمان هنوز ابریشم یکی از مهمترین کالاهایی بود که از سوی ایران به بیزانس صادر می‌شد، ولی جریان حوادث، چند سال پس از انعقاد قرارداد ۵۶۲م میان ایران ساسانی و بیزانس به آنجا انجامید که صادرات ابریشم از ایران به بیزانس متوقف شد و مبادلات تجاری میان این دو ابرقدرت محدود شد.

درک اهمیت نیمه‌ی دوم سده ششم میلادی در مناسبات تجاری میان ایران و بیزانس جز با آگاهی از نقش بازرگانان سغدی در این مناسبات و قدرت گرفتن امپراطوری «تورکیوت‌ها» در این زمان امکان‌پذیر نیست. در حقیقت ایرانیان تنها واسطه انتقال ابریشم چین به بیزانس نبودند، بازرگانان سغدی از مرزهای غربی چین تا مرزهای شرقی ایران این کالای گرانبها را در طول کوه‌های پامیر و رود تاریخ حمل می‌کردند و در تجارت ابریشم نقش عمده‌ای داشتند.

در سال ۵۵۸م در پایان دوره دوم جنگ‌های خود با بیزانسی‌ها، انوشیروان تصمیم گرفت به موجودیت حکومت پوشالی «هپتالیان» در مرزهای شرقی خود خاتمه دهد و به این منظور تا سال ۵۶۱م. بر سرزمین آنها دست یافت و مرز شرقی ایران را به رود جیحون رساند. از بین رفتن حکومت ضعیف هپتالیان به پیشرفت تورکیوت‌ها در فرارودان و همسایه شدن آنها با شاهنشاهی ساسانی انجامید. امپراطوری تورکیوت‌ها از اساس با حکومت ضعیف هپتالیان تفاوت داشت و در اندک زمانی تورکیوت‌ها به گسترش وسعت امپراطوری خود پرداختند و قبایل پراکنده و سلحشور فرارودان و شمال دریای مازندران را متحد کردند و زنگ خطر را برای همسایگان شرقی و غربی خود یعنی امپراطوری چین و شاهنشاهی ساسانی به صدا درآوردند. انوشیروان به درایت دریافت که طلای روم که تا پیش از این در جیب بازرگانان سغدی می‌رفته که خطری برای ایران نداشتند، اکنون خزانه خاقان ترکیوت را لبریز کرده‌است و هر لحظه بر قدرت و توانایی امپراطوری او می‌افزاید. پس در یک لحظه‌ی سرنوشت ساز تصمیم به قطع تجارت ابریشم با چین گرفت تا از این راه بر توان اقتصادی و نظامی تورکیوت‌ها افزوده نشود.

در پی قطع تجارت ابریشم در مرزهای شرقی ایران، بازرگانان سغدی که در آن زمان تحت تسلط تورکیوت‌ها بودند و منافع خود را در خطر می‌دیدند، به نزد خاقان تورکیوت‌ها، ایستمی (۲) رفتند، و از او خواستند تا سفیری به دربار انوشیروان فرستاده و درخواست کند که یا اجازه دهد آنها از خاک ایران ابریشم خود را به بیزانس بفرستند یا اینکه خود ابریشم آنها را به قیمت اندک بخرد. در نهایت ایستمی پذیرفت که سفیری به دربار ایران گسیل کند و بازرگانان سغدی نیز بزرگ خود را که مانیا (از این نام مشخص است که این بازرگان مانوی بوده‌است.) نام داشت را به دربار ایران فرستادند. (Menander Protector, Book XVIII-XXII)

انوشیروان در پاسخ به اصرار بازرگانان سغدی که از انوشیروان درخواست می‌کردند که اگر به آنها اجازه گذر از خاک ایران را نمی‌دهد، خود ابریشم آنها را بخرد، دست به عمل شگفت‌آوری زد که حاکی از درایت بسیار زیاد این پادشاه است. انوشیروان ابریشم بازرگانان سغدی را به بهایی بیشتر از آن چیزی که آنها انتظار داشتند خرید و پیش

چشم آنها به آتش کشید تا آنها به قاطعیت شاهنشاهی ساسانی در قطع تجارت ابریشم دریابند.

اما بار دیگر خاقان تورکیوت‌ها یک هیئت تجاری دیگر را به ایران فرستاد تا انوشیروان را از تصمیمش منصرف کند. سرنوشت اعضای این هیئت از هیئت اول بسیار بدتر بود و به روایتی به دستور انوشیروان مسموم شدند و به روایت دیگر، به علت آب و هوای گرم ایران بدرود حیات گفتند. (رضا، ۱۳۸۱: ۹۶) شکست تلاش‌های هیئت‌های سیاسی تورکیوت‌ها برای گشودن جاده ابریشم در خاک ایران، تورکیوت‌ها را بر آن داشت تا به توصیه‌ی مانیای سغدی کوشش کنند تا ابریشم خود را مستقیماً به بیزانسی‌ها بفروشند. ایستمی با درخواست سغدی‌ها موافقت کرد، در نتیجه در سال ۵۶۸ م هیئت عالی رتبه‌ای از امپراطوری تورکیوت به سرپرستی مانیای سغدی روانه بیزانس شد و با هدایای ابریشمین گرانبها و نامه‌ی امپراطور تورکیوت‌ها به امپراطور بیزانس به کنستانتینوپول گام نهاد. (Menander Protector, Book XVIII-XXII)

بیزانسی‌ها نیز به نوبه‌ی خود برای برقراری دوستی و هم‌پیمانی میان دو ملت، زمارکوس<sup>۱</sup> را به عنوان سفیر بیزانس همراه با گروهی از تورکیوت‌ها به امپراطوری تورکیوت فرستادند. گزارش‌هایی که مناندر از سفر این فرستاده‌ی رومی‌هل نقل می‌کند، تصویر گران بها از زندگی اقوام ساکن در فرارودان در نیمه‌ی دوم سده ششم میلادی به دست می‌دهد. در رفت آمد هیئت‌های متعدد بیزانسی و تورکیوت به نتایج زیر منتهی شد؛ آنها تصمیم گرفتند تا تجارت ابریشم را از طریق شمال دریای مازندران و به دور از قلمرو تحت حکومت ایران ادامه دهند و همچنین مقرر شد تا در جهت تضعیف قدرت شاهنشاهی ایران به صورت هماهنگ از شرق و غرب به ایران یورش برند. (Menander Protector, Book XXXII)

اما این اتحاد در نهایت به شکست انجامید زیرا از یک سو بیزانسی‌ها که دور سوم جنگ‌های خود بر علیه ایران در زمان انوشیروان آغاز کرده بودند شکست سختی را پذیرفتند و حتی کنترل شهر دارا را نیز از دست دادند و در نتیجه تورکیوت‌ها نیز جرات خود را

1. Zemarachus



برای دست‌اندازی به مرزهای شرقی ایران از دست دادند، از سوی دیگر، تجارت ابریشم از راه شمال دریای مازندران دیری نپایید و پیمان صلح میان امپراطوری بیزانس و آوارها که دشمن‌های قسم خوردی تورکیوت‌ها بودند به اتحاد میان تورکیوت‌ها و بیزانسی‌ها پایان داد. حتی سپاهیان تورکیوت به شهر بندری بوسفور یورش بردند و آن را به تصرف خو درآوردند و بدین سان اتحاد امپراطوری تورکیوت با امپراطوری بیزانس پایان پذیرفت.

اما نکته بسیار مهم این است که ایرانیان در این شرایط هم انحصار تجارت ابریشم را در دست خود نگه داشته و از منافع این تجارت پر سود بهره‌مند می‌شدند. در سال ۵۷۰ م، نیروی دریایی ایران بر یمن مسلط شد و از این طریق کوشش کردند تا این تجارت را از راه دریا و بدون واسطه تورکیوت‌ها انجام دهند.

#### نتیجه‌گیری:

ایرانیان در دوران اشکانی و ساسانی انحصار تجارت ابریشم با امپراطوری روم و پس از آن با بیزانسی‌ها در دست داشتند. ابریشم چین به دست بازرگانان سغدی از مرزهای غربی چین تا مرزهای شرقی ایران در طول کوه‌های پامیر و رود تاریم حمل می‌شد. مقدار اندکی از این ابریشم در ایران مصرف می‌شد و بیشتر آن در امپراطوری بیزانس مصرف می‌شد و از این طریق خزانه ایران و جیب بازرگانان سغدی از سکه‌های رومی انباشته می‌شد.

اما از میانه سده ششم میلادی و در پی قدرت گرفتن امپراطوری تورکیوت‌ها ایرانیان به فراست دریافتند که که طلای رومی‌ها دیگر تنها در خزانه‌ی ایران را پر نکرده و خزانه‌ی خاقان تورکیوت را نیز سیراب می‌کند و این طلا می‌تواند صرف توسعه طلبی تورکیوت‌ها به سمت غرب یعنی شاهنشاهی ساسانی شود که در آن زمان از سوی امپراطوری بیزانس نیز تحت فشار بود، پس ایرانیان با زیرکی در این زمان تجارت ابریشم را در جاده ابریشم متوقف کردند، و با تسلط بر یمن کوشش کردند تا این تجارت را از راه دریا و بدون واسطه تورکیوت‌ها انجام دهند.

پی نوشت‌ها:

۱- مورخان رومی در تشخیص نام مقامات ایرانی در بیشتر مواقع اشتباه کرده‌اند، به طور مثال دیپلمات ایران را از خاندان سورن بوده به نان خاندانش نامیده‌اند، و از نام اصلی او اطلاعی به دست نمی‌دهند.

۲- این نام در منابع بیزانسی به صورت Dizabul ضبط شده‌است  
منابع فارسی:

آلتهایم، فرانتس، آسیا در کشمکش با اروپا، هونها و ساسانیان، ترجمه داود منشی‌زاده ابن سینا، تهران، ۱۳۴۲.

پروکوپیوس، جنگ‌های ایران و روم، ترجمه محمد سعیدی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۲.

پلوتارک، حیات مردان نامی، ترجمه رضا مشایخی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران، ۱۳۳۶.  
پیرنیا، حسن، تاریخ ایران باستان، دنیای کتاب، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۸۱.

-----، تاریخ مختصر ایران باستان، مجلس، تهران، ۱۳۰۸.

تشکری، عباس، ایران به روایت چین باستان، موسسه روابط بین‌المللی، تهران، ۱۳۵۶.  
رضا، عنایت...، اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۴

-----، ایران و ترکان در روزگار ساسانیان، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۱.

فرانک، آیرین، جاده ابریشم، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، سروش تهران، ۱۳۷۶.

کریستن‌سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، دنیای کتاب، چاپ ششم، تهران، ۱۳۶۸.

گروسه، رنه، امپراطوری صحرائوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۳.

مارکوارت، یوزف، ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم امیراحمدی، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳.

مظاهری، علی، جاده ابریشم، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲.



منابع لاتين:

Menander Protector, The History of Menander The  
Guardman, Translated by R. C. Blockley, Francis Cairns,  
2006

Simukata, Theophylact, History, Translated by Micheal and  
Mary Whitney, Oxford University Press, London, 1987